

غلام محمد زارع

زن در جامعه افغانی روز ندارد



هشتم مارچ روز بین المللی زن سالهاست از طرف مجامع جهانی تجلیل میشود . این روز تقریباً در تمام کشور ها با کیفیت های گوناگون تجلیل گردیده و احترام به مقام زن که به قول معروف " زن با یک دست گهواره و با دست دیگر جهان را شور میدهد " به جا آورده و حداقل حق او را که به صفت مادر ، خواهر و همسر برما دارد ادا نموده و به مقام و منزلتش ارج گذاشته ، عزت و احترامش را که در حقیقت حق بلامنازعه اش است به سر و چشم ادا نماید . حق که او مارا نوه ماه تمام در بطنش ، حمل کرده و بدنیا آورده و از شیره جان خود پرورش داده ، راه رفتن را یاد مان داده ، زنده گی کردن را اموخانده ، با گرم و سرد روز گار آشنا ساخته و به جامعه که او را نیز مادر وطن گویند فرستاده تا آنچه را از او یاد گرفته ایم برای بقای نسل های آینده عملی کرده و دست او را که دیگر پیچه سفید و زمین گیر شده ، گرفته و اعصای دوران پیریش گردیم . بلی او مادر است که با خواری و بیچاره گی و گرسنگی زیسته ولی شکم فرزندان خود را خالی نگذاشته . او رنج های بیشمار زنده گی و جامعه ای حق ناشناس را چشیده ، در روی مزرعه کار کرده ، خانه و کاشانه را سرو صورت داده و هر آنچه در توانش بوده صرفه نکرده . او فرزندان را در کوچه و پس کوچه های تنگ و تاریک زنده گی همراهی و رهنمایی کرده و وظیفه مادری اش را به جا آورده است . او در خوشی ها و کامیابی های جگر گوشه هایش شادمان گردیده و در تلخ کامی هایشان ، چشمانش نمناک شده و اشک عجز و ناتوانی ریخته است . چگونه میشود چنین انسان را که نیم از جامعه را در برمی گیرد ، احترام نکرد ؟ چگونه میشود در برابر خدماتش به جامعه و مردم سر خم نکرد ؟ و چگونه میشود قدر رنج کشیدن هایش و عذاب دیدن هایش را به جا نیاورد ؟

زنان در جوامع متمدن از حقوق و آزادی که سالها به خاطر بدست آوردن آن تلاش کرده اند ، برخوردار بوده ، جامعه و مرد ها رامجبور کردند تا حقوق و آزادی های شان را برسمیت شناخته و احترام بگذارند .

در جوامع عقب مانده و مرد سالار شرقی زنان توفیق چندان نداشته و هنوز دنباله رو ، دست بین و جیره خور مرد ها بوده ، از مکتب رفتن و تحصیل محروم گردیده ، سواد نیاموخته و توان زنده گی کردن به صورت مستقلانه را ندارد . جامعه دست وپایش را به زنجیر مناسبات کهنه اجتماعی بسته و دست نگرش بارآورده و جیره خورش ساخته و ناچار اش نموده تا پیشانی شوهر را ببیند و به آن عادت نموده و فرزندان دختر خانواده را با همین روحیه تربیه کرده به مناسبات جامعه مرد سالار مهر تایید بگذارد . ولی این مناسبات پایدار نبوده با تلاش و همت زنان ودختران رفته ، رفته حلقه های این زنجیر فروریخته و زن در این کشور ها نیز حیسیت ، وقار و احترام لازم را کسب کرده ، دست و پایش باز گردیده و اختیارش به خودش تعلق خواهد گرفت .

هشتم مارچ روز همبستگی زنان نیز است . همبستگی و یک پارچگی بخاطر هدف مشترک ؛ همبستگی بخاطر حقوق و آزادی های مشترک و همبستگی بخاطر کسب عزت و احترام در جامعه . زنان بار اول در سال 1908 میلادی بخاطر کاهش ساعات کار وبلند رفتن مزد کار در شهر نیویارک روی جاده ها رفتند . تظاهرات 15000 زن در این شهر برای بار اول تحرک را میان زنان برای اعاده حقوق شان مژده میداد . تظاهرات زنان در سال های بعدی جهت بیداری هم جنسان شان دست آورد های را درپی داشته است . در سال 1910 میلادی در شهر کوپنهاگین دنمارک کنفرانس زنان شاغل برگزار گردید که در آن بر علاوه نماینده های احزاب سوسیال دموکرات ، زنان از 17 کشور مختلف اشتراک ورزیده بودند حدود صد زن اشتراک کننده در کنفرانس مذکور به پیشنهاد سینکین عضو حزب سوسیال دموکرات المان و آمر شعبه زنان در حزب مذکور مبنی برتجلیل یک روز بنام روز زن نظر مثبت دادند . یک سال بعد روز زن در کشور های دنمارک ، اطریش ، المان و سویس تجلیل گردید که بیشتر از یک میلیون زن ومرد در گردهم آیی های مذکور اشتراک ورزیده بودند . تجلیل از مقام زن در یکشنبه های آخر ماه فبروری در سال های بعدی در کشور های متمدن دنیا صورت میگرفت تا اینکه در سال 1975 میلادی سازمان ملل متحد روز هشت مارچ را روز بین المللی زنان تعیین نموده و از این روز در کشور های مختلف جهت قدردانی و به جا آوردن احترام به مقام زن به اشکال و شیوهای مختلف تجلیل به عمل می آید . نهال تلاش های زنان جهت اعاده حقوق و آزادی های شان در اروپا و امریکایی شمالی با از خودگذری ها و زحمات بی پایان زنان در کشور های مذکور به ثمر نشست و اکنون زنان دراین کشور ها در تمام بخش های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی موقعیت های مناسب را کسب و اشغال نموده و از آزادی های که خاصه هر انسان است ، برخوردار میباشند. در کشور های جهان سوم و عقب مانده زنان نه تنها از حقوق و آزادی های انسانی برخوردار نیستند بلکه مانند جنس مورد خرید و فروش قرار میگیرند . هشتم مارچ در این کشور ها به شکل سمبولیک تجلیل گردیده و چند زن تحصیل یافته بروی پرده تلویزیون نمایان شده ، حرف های از احترام به مقام و منزلت زن به میان آمده و در ختم محفل همه چیز فراموش گردیده ، نادیده و ناشنیده گرفته میشود .

زنان باید جرات تشکل و تنظیم شدن در سازمان های سیاسی صنفی خود را داشته باشند . تا زمانیکه متحد و یک پارچه نشده ، از خود ، از حقوق و آزادی های خود و دیگران دفاع نکنند ، جوامع عقب مانده و مرد سالار حاضر نیستند به ساده گی از سر شان دست بردار شده ، حیسیت و مقام انسان مساوی الحقوق را برایشان قابل گردند .

خدمات صحی برای زنان در کشور های جهان سوم در سطح پایین قرار داشته و خیلی نا چیز و در بعضی نقاط اصلاً زنان از هیچ گونه تسهیلات صحی برخوردار نیستند . کاهش درد و رنج زنان با فراهم آوردن امکانات بیشتر صحی که با وسایل نا چیز هم میاثر است ، امکان پذیر میباشد . اکثریت زنان در این کشور ها به کلینیک های طفل ومادر و شفاخانه های ولادی و نسایی دسترسی ندارند . آمار و ارقام منتشره نشان میدهد که سالانه تعداد زیاد مادران در جریان بارداری و حین ولادت تلف میشوند . مرگ ومیر اطفال نوزاد در این کشور ها در سطح بلند قرار داشته که باز هم ناشی از عدم دسترسی به کلینیک های طفل و مادر میباشد .

در کشور ما زنان بی سواد بیشتر از مردان است. زنها کمتر با محیط خارج از فضای خانه و خانواده تماس دارند. به همین دلیل هم است که نمیتوانند بدرستی از حقوق که قوانین جاری کشور برایشان قایل شده است، با خیر شوند. عدم برابری مردان و زنان در برابر قانون و بی خبری زنها از مفاد قوانین باعث میشود که ایشان خود را برده ای جامعه مردسالار تصور کرده در فکر احقاق حقوق شان و فروپاشی مناسبات کهنه جامعه زن ستیز نبرآمده و هر ظلم و ستم که بالای شان میشود، پذیرا گردیده، آه به جگر نکشند.

افغانستان یکی از بدترین مناطق جهان برای زنان است. زنان با خشونت، زورگویی، قتل، خودسوزی، لت و کوب، ازدواج های اجباری و انواع خشونت های دیگر که ضمیر انسان را لطمه دار میسازد، روبرو اند. یک راپور کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان حاکی از آنست که در سال 2008 به تعداد 76 قتل زیر نام ناموس و عزت فامیلی صورت گرفته است. در راپور آمده است که تعداد واقعی این نوع قتل ها به مراتب بیشتر از آن است که در مراجع رسمی ثبت گردیده است.

راپور تهیه شده توسط وزارت خارجه کانادا در سال 2010 میلادی در مورد حقوق بشر حکایت از خودکشی تعداد زیاد زنان افغان جهت رهایی از خشونت و رفتار وحشیانه می نماید. در راپور مذکور آمده است که تنها در ولایت هرات که وضع امنیتی آن هم خوب است، در سال 2008 میلادی 80 زن و دختر دست به خود کشی زده اند.

راپور دیگریکه توسط مقامات انگلیسی در افغانستان آماده شده، نشان میدهد که 87 فیصد زنان افغان برای یک مرتبه هم که شده مورد خشونت قرار گرفته اند و 60 فیصد ازدواج ها به شکل اجباری و بدون رضایت مخصوصاً دختران و زنان صورت گرفته است. دردناکتر از همه اینکه 57 فیصد ازدواج ها با دختران صورت گرفته که هنوز به سن قانونی یعنی 16 سالگی نرسیده اند. ازدواج های اجباری دختران زیر سن قانونی با مردان کهن سال خلاف نورم های قانون اساسی و حقوق بشر عملی گردیده است.

خاموشی در برابر خشونت و زور، خود نوعی از خشونت است. جامعه افغانی که زیر نام سنت های جامعه ای مرد سالار به زورگویی و خشونت در برابر زنان عادت کرده است به مشکل حاضر است حقوق و آزادی های آنان را که نیم از نفوس جامعه را تشکیل میدهند، برسمیت شناخته، زمینه های رشد استعدادهای زنان و دختران را بخاطر اعمار جامعه عصری و مدرن در کشور ما، فراهم سازد. تبریک گفتن هشتم مارچ به زنان افغان که نه شکم شان از نان خشک سیر است و نه هم روزنه ای برای آینده آرام دارند و نه هم امیدی برای زنده گی آرام و بدون دردسر، بی مفهوم است. بی مفهوم تر از آن برگزاری محافل نمایشی به این مناسبت است. بهترین تجلیل؛ بهترین تحفه و بهترین قدردانی از زن و مقام والایش در اجتماع همانا میاثر ساختن شرایط تحصیل برای دختران و خانم های جوان و امکانات کار و داشتن درآمد معین، جلوگیری از خشونت و زورگویی علیه زنان؛ کار و تلاش در جهت بیداری زنان و با خبری شان از حقوق که قانون برایشان قایل گردیده است؛ کمک و پشتیبانی از سازمان های صنفی زنان؛ پشتیبانی از ارتقای زنان به مقامات رهبری در اجتماع؛ کمک به زنان در پیدا نمودن جا و مقام شان در اجتماع؛ جستجوی راه ها و امکانات بیداری و آگاهی زنان از دموکراسی و حقوق بشر؛ ایجاد، احیا و پشتیبانی از موسسات و مراجع مدافع حقوق زنان و کمک به زنان و دختران در جهت احیایی روحیه اعتماد به نفس در آنها میباشد.

پایان

07 . 03 . 2012